

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

271-111

Case No. 271Date of filing: 8/07/1997

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
 - Date of Award \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of Mr Allison  
 - Date 8 July 1997  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ 2 pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

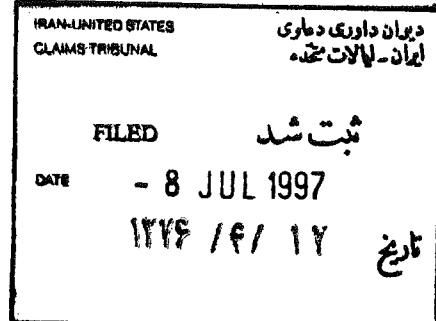
IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
Separate Opinion

Case No. 271

Chamber Three ۲۷۱ پرونده شماره

شعبه سه

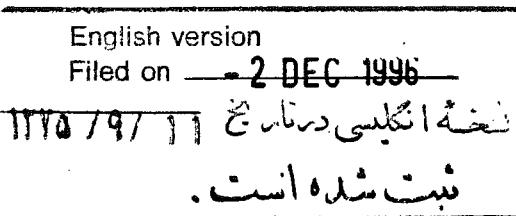
حکم شماره ۵۷۲-۲۷۱-۳



DUPLICATE  
ORIGINAL  
«نسخه برای اصل»

جهانگیر مهتدی  
و ژیلا مهتدی،

خواهان‌ها،



و  
دولت جمهوری اسلامی ایران،  
خواهان.

### نظر جداگانه ریچارد سی الیسون

-۱ من اگرچه به منظور حصول اکثریت لازم، با حکم صادره در پرونده حاضر موافقت کرده‌ام، لیکن راجع به موضوع مصادره ملک ولنجک نظر متفاوتی دارم. من ایرادی به نتیجه گیری حکم ندارم که می‌گوید قانون لغو مالکیت به منزله مداخله در حقوق خواهان در ملک مزبور بود، آنچنان که یک "اقدام مؤثر در حقوق مالکیت" محسوب می‌شد از گونه‌ای که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده است. لیکن من از این نیز فراتر رفته، نتیجه می‌گرفتم که قانون مزبور طی دوره صلاحیتی، که الزاماً محدودکننده واقعیات ذیربطی است که دیوان باید در پرونده‌های مطروح نزد خود بررسی نماید، عملًا تمامی حقوق خواهان در ملک ولنجک را مصادره نمود. <sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان صلاحیت رسیدگی به "ادعاهای متقابل [ای را دارد که] در تاریخ این بیانیه [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ / ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده اند". این محدودیت زمانی در مورد دعاوی که دیوان می‌تواند مورد رسیدگی قرار دهد، در موارد محدودی منجر به نتایجی گردیده که تا حدودی غیرمتعارف است. برای مثال، در پرونده فور موست تهران، اینک و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره

این نتیجه گیری به جای خود محفوظ است، اعم از اینکه خود قانون لغو مالکیت و مقررات اجرایی آن - چنانکه من معتقدم - موجب مصادره قانونی ملک شده باشد و یا اینکه، مجموعه ای از اوضاع و احوال گوناگون منجر به مصادره عملی آن گردیده باشد.

-۲ این نتیجه گیری مبتنی است بر: (۱) خود قانون لغو مالکیت، (۲) اظهارات مقامات انقلابی راجع به سیاست و قصد دولت از قانون مزبور، (۳) آئین نامه اجرایی قانون، حاوی شرح هدف ها و شمول آن، که به تصدیق شورای نگهبان، صراحتاً شامل زمین های بایر نیز می شده و (۴) اثر عملی همه اینها و سایر اقدامات. به علاوه، مشکل بتوان انکار نمود که شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ششم فروردین ماه ۱۳۵۹ [۲۶ مارس ۱۹۸۰] در "آئین نامه اجرایی مربوط به تهران" اعلام نمود که با تصویب قانون لغو مالکیت اراضی، مالکیت خصوصی زمین های غیرمعمول "از تاریخ انتشار آن" لغو شده است. از آنجا که به نظر من، زمین ولنجک طی دوره صلاحیتی دیوان مصادره گردید، کل ارزش زمین باید به نفع خواهان مورد حکم واقع می شد.

لاهه، به تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۷۵ برابر با دوم دسامبر ۱۹۹۶

ریچارد سی الیسون

---

۱۰ Iran-U.S. C.T.R. 228 [۱۳۶۵ آوریل ۱۹۸۶]. چاپ شده در ۲۲۰-۳۷/۲۲۱-۱ دیوان ادعای خواهان دایر بر "مصادره خرنده" را به این دلیل رد کرد که "مداخله در ماهیت حقوق فورمومست تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ... منجر به مصادره نشده بود". همان مأخذ، صفحه ۲۵۰. در پرونده حاضر، شورای نگهبان در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] نظر داد که ضبط اراضی بایر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده، و بدان ترتیب، می توان گفت که شورای نگهبان ضبط زمین ولنجک خواهان را بعد از خاتمه دوره صلاحیتی دیوان لغو نموده است، گو اینکه خوانده، که مدارک ذیربسط را در اختیار دارد، دلیلی در تأیید این امر ارائه نکرده است.